ارکستر شماره ۲ بیشتر آثار کلاسیک و علمی به رهبری استاد علی تجویدی را اجرا می‌کرد و ارکستر شماره ۳ به رهبری استاد پرویز یاحقی آثار علمی و شیرین جدید را اجرا می‌کرد.

چه شد که به برنامه گلها دعوت شدید؟

با توجه به اجرای بنده در رادیو و داشتن سبک منحصربه‌فرد، به دعوت مرحوم پیرنیا به برنامه وزین گلها دعوت شدم و اولین برنامه گلهای صحرایی شماره پنج را اجرا کردم.

برنامه گلها و داود پیرنیا به عنوان موسس این برنامه چه جایگاهی در موسیقی ایران داشتند؟

به نظر بنده، پدر موسیقی فاخر ایران استاد «داود پیرنیا» هستند که در حقیقت گلهای موسیقی ایران را در این برنامه وزین گردهم آوردند.

این برنامه چه قدر در معرفی نوازندگان، خوانندگان و آهنگسازان ایرانی نقش داشت؟

دقت عمل و مدیریت قوی به دور از جهت‌گیری این مرد بزرگ به همراه شناخت و سلیقه و ذوق بی‌بدیل ایشان، معرف بسیاری از هنرمندان بزرگ به جامعه هنری و مردم شد.

شما به عنوان نوازنده سنتور با برنامه گلها همکاری داشتید و بعد از بازگشت‌تان از انگلیس در جایگاه آهنگساز نیز فعالیت کردید به طوری که اولین همکاری شما در این مقام با اکبر گلپایگانی بود. در این خصوص توضیح می‌فرمایید؟

با توجه به طبع شعری که داشتم شعر و آهنگی به نام «قهر و ناز» در شور ساخته بودم که در یک اجرای خصوصی استاد «اکبر گلپایگانی» که تا آن زمان در رادیو اجرای ترانه نداشتند و به عنوان بهترین آوازخوان شناخته می‌شدند، نسبت به این شعر و آهنگ ابراز علاقه کردند که خوشبختانه اولین ترانه اینجانب توسط ایشان اجرا شد.

شما مدت ۱۵ سال با رادیو هیچ‌گونه همکاری نداشتید تا اینکه سال ۷۲ در همکاری با اسدالله ملک ارکستر همنوازان را تشکیل دادید. این همکاری ازکجا نشات گرفت و ارکستر همنوازان با چه هدفی تشکیل شد و خروجی‌اش چه بود؟

دوستی و همکاری اینجانب با استاد «اسدالله ملک» و دعوت ایشان از بنده و پس از آن دعوت بعضی از همکاران موجب تشکیل ارکستر همنوازان با هدف حفظ آثار ملی و اعتلای موسیقی فاخر ایرانی شد.

یکی از مشکلات در دوره گذشته به دلیل نبود استودیوهای مجهز ضبط آثار موسیقی بوده تا جایی که شنیده‌ایم شما برخی آثارتان را در منزل خودتان ضبط کرده‌اید؟

با توجه به محدودیت ضبط آثار موسیقی در دهه ۶۰ جهت حفظ آثار و خدمت به جامعه موسیقی فاخر ایرانی، بر خود واجب دانستم که آثاری همچون «عشق و آهسته» و «روی برگی بنویس عشق» را با هزینه شخصی و مرارت‌های خاصی در منزل تهیه و ضبط کنم.

البته استودیوها در زمان گذشته امکانات کاملی داشتند و ضبط آثاری همچون موسیقی گلها و تکنوازان خود شاهدی بر این مدعاست.

بعد از شروع فعالیت‌تان در سنتور نوازی به ارکستر رادیو راه یافتید. این حضور بر چه اساسی بود؟

در سال ۱۳۵۵ پس از تصویب شورای موسیقی رادیو متشکل از مرتضی خان محجوبی، جواد معروفی، ادیب خوانساری، علی تجویدی و مشیر همایون شهردار، برای نوازندگی در ارکستر شماره ۲ رادیو معرفی و دی ماه همان سال حکم استخدامی اینجانب با حقوق دریافتی جلسه‌ای یک‌هزار ریال در این ارکستر ابلاغ شد.

البته در آن زمان گذر از شورای موسیقی رادیو که بزرگان این رشته در آن حضور داشتند دستکمی از هفت‌خان رستم نداشت و استعدادی شگرف را می‌طلبید.

شما ابتدا به ارکستر شماره ۲ و سپس به ارکستر شماره ۳ رفتید.درباره این دو ارکستر توضیح دهید و اینکه چه تفاوت‌هایی با هم داشتند؟

هر دو اکستر از ارکسترهای فعال رادیو بودند که به‌صورت مداوم با دو نفر از خوانندگان مطرح آن زمان تمرین و ضبط آثار داشتند:

طی سال‌های اخیر با نسل جوان همکاری دارید و نقش بسیاری موثری در معرفی آنها به جامعه موسیقی داشته‌اید. این کار با چه هدفی صورت گرفته؟

بنده همیشه از ابتدای فعالیت هنری تاکنون معتقدم موسیقی خوب و فاخر جانشین می‌خواهد و تربیت و معرفی جوانان در زمینه موسیقی فاخر را همیشه در اولویت قرار داده‌ام.

همچنین شاگردان بسیاری را در زمینه مختلف پرورش داده‌ام که در حال حاضر همکاری‌ام با دو شاگرد جوانم جناب آقای پاشا پاشایی در موسیقی پاپ که فرزند معنوی اینجانب نیز هستند و فرهاد عزیزی در ژانر موسیقی اصیل ادامه دارد.

به طوری که هم اکنون در حال ضبط و تهیه اثر «خلیج فارس» به تهیه‌کنندگی آقای دکتر صدر نوری مدیر موسسه راد نواندیش به خوانندگی پاشا پاشایی و آلبوم «عاشق پرواز» به خوانندگی فرهاد عزیزی در ژانر موسیقی اصیل هستم.

با توجه به اینکه شاگردان بسیاری تربیت کرده‌اید آینده سنتورنوازی ایران را چگونه می‌بینید؟

هنرجو در رشته نوازندگی سنتور کم نیست اما صاحب سبک و مکتب شدن نیاز به ممارست و ذوق بسیار دارد که در هنرجویان جوان فعلی کمتر این ذوق را دیده‌ام که امیدوارم بازهم جوانان، جانشین لایق و توانا برای پیشکسوتان باشند.

در پایان از زحمات همه عزیزان که در راه اعتلای موسیقی فاخر ایران تلاش می‌کنند قدردانی می‌کنم.

بنده همیشه از ابتدای فعالیت هنری تاکنون معتقدم موسیقی خوب و فاخر جانشین می‌خواهد و تربیت و معرفی جوانان در زمینه موسیقی فاخر را همیشه در اولویت قرار داده‌ام

نام‌ها و یادها

فضل‌الله توکل به روایت بزرگان موسیقی

طی سال‌ها فعالیت مستمر فضل‌الله توکل نوازنده سنتور و آهنگساز، هنرمندان شاخص موسیقی ایران در قالب گفت‌وگوها و سخنرانی در مراسم‌های مختلف در خصوص شیوه نوازندگی، جایگاه و سبک موسیقایی او مطالبی را مطرح کرده‌اند که بخش‌هایی از این صحبت‌های چهار بزرگ موسیقی ایران را انتخاب کرده‌ایم که در ذیل می‌آید:

جلیل شهناز

توکل در ساز سنتور یک نابغه و مکتب او جدا از بقیه نوازندگان ساز سنتور است و بسیار دلنشین ساز می‌زند. سنتور ساز بسیار سختی است و ما هنگام نوازندگی تار، آن را در آغوش‌مان حس می‌کنیم و ساز جای مانور دارد، اما سنتور یک ساز جدا از بدن است، اما سازی که از بدن انسان جداست، بسیار مشکل است که حس را به آن منتقل کرد و دلنشین نواخت. ولی این کار را توکل به خوبی انجام می‌دهد.

پرویز یاحقی

این نوازنده برجسته ویولن در زمان حیاتش همیشه می‌گفت من دوست دارم با توکل کار کنم چون توکل با ساز سنتور رقیب خوبی برای ویولن من روی صحنه است.

نادر گلچین

۴۳ سال پیش در منزل زنده‌یاد فرهنگ شریف به خدمت فضل‌الله توکل رسیدم و این دیدار اولین آشنایی بنده با وی بود و جالب آن که از همان روزها ارادتم به این هنرمند بزرگ بیشتر شد. من از همان زمان نیز معتقد بودم صدای ساز او با صدای دیگر نوازندگان تفاوت دارد. به نظر من سبک و سیاق نوازندگی فضل‌الله توکل در کل محدوده ایران سبک و سیاقی منحصربه‌فرد است که باید او را مخترع یک سبک دانست.

من این افتخار را داشتم در کنار وی آواز بخوانم و همواره تحت تاثیر مضراب‌های شنیدنی او بودم. او در واقع راهنمایی بود که هنوز وقتی در تنهایی خودم می‌نشینم و کلام حافظ شیرازی را در مایه سه‌گاه می‌شنوم غرق در نوازندگی وی و صدای لذت بخش سازش می‌شوم.

اکبر گلپایگانی (گلپا)

فضل‌الله توکل یکی از بزرگترین و تواناترین نوازندگان و آهنگسازان موسیقی ایرانی است. برخی از ملودی‌های که فضل‌الله توکل در موسیقی ایرانی خلق کرده با آثار فاخر و جاودانه گذشتگان در قدیم برابری می‌کند. ما حالا آهنگ‌سازانی داریم که مدارج بالای آکادمیک را طی کرده‌اند و سواد موسیقی هم دارند اما با آثار ارزشمند هنرمندی مانند فضل‌الله توکل بسیار فاصله دارد.

بسیاری از آثاری که من خوانده‌ام تحت تاثیر آهنگسازی بی‌نظیر توکل است. شما از یک هنرمند چه انتظاری می‌توانید داشته باشید، آدمی که ساز سنتور را به آن زیبایی می‌نوازد، شعر را به آن لطافت می‌سراید و آهنگسازی بی‌نظیر می‌کند و صدای خوبی هم دارد، دیگر چه توقعی از یک استاد موسیقی می‌توان داشت. خیلی‌ها امروز نمی‌توانند ساز بزنند و فورا یک دکترای موسیقی به نام‌شان ثبت می‌شود.

نگاه

دلنوشته‌ای برای استاد فضل‌الله توکل
مردی از جنس موسیقی

•رضا مهدوی•
نوازنده سنتور و مولف

مفاخر موسیقی ایران و موسیقی ایرانی از دیرباز تاکنون هر یک شاخصه‌هایی داشته و دارند.

ضرباهنگ موسیقایی نشان از درون شولایی دارد و تفاوت را در معنا و اجرا به رخ می‌کشاند. یکی از این برجستگان بی‌بدیل بی‌همتا استاد فضل‌الله توکل است که ضرباهنگی منحصر، درونی پرشور و شیدا و معنایی عمیق و متفاوت از دیگر همتایان خود دارد.

خه خه‌ای موسیجه موسی صفت
خیز و موسیقار زن در معرفت

رفتار و کردار معرفتی استاد بیانگر درون رستاخیزگونه اوست که گاه آنچنان در خلق اثر و اجرای آن بی‌تاب‌وارانه سرشار از شور و حماسه عاشقانه می‌آلاید که گویی در آسمان‌ها سیر می‌کند و خیزشی موسیقی آرایانه در معرفتی موسی صفت عرض ارادت می‌کند به ساحت حضرت باری‌تعالی...

خداوند هر چه دوست داشته به او عطا کرده تا جایی که فضل‌الله توکل را هنرمندی چندوجهی به معنای حقیقی کلمه می‌دانیم. نوازنده، سازنده، سراینده و خواننده که بحق در این چهار زمینه واژه استادی بی‌هیچ کم و کاستی برازنده اوست و به قول استاد محمد صالح علا از واژه «کدیور» استفاده کنم، ایشان از کدیوران موسیقی ایران است. روان و بی‌آلایش می‌گوید و می‌نوازد و می‌خواند و روح آدمی را بالا می‌کشد تا کهکشان‌ها. با دستان و انگشتان مخملینش گویی ابرهای آسمان را بر خشک سیمی و خشک چوبی می‌نشاند انگاری که ترنم پنبه‌زنی و ابریشم‌ریسی را شاهدی، اما این بار با تلالو اصوات موسیقایی راز و رمز گونه... آلبوم زیبایی را با ترانه و آهنگ و نواخت و صدای خود در ابتدای سال‌های ۱۳۷۰ به طور خصوصی منتشر کرد و در چند سال اخیر یکی، دوتا از آن را با صدای علیرضا افتخاری انتشار داد. هر چه از او خواستم و خواستند که چرا با صدای خود منتشر نمی‌کنید می‌گوید من خواننده نیستم...

قابل توجه هنرپیشه‌های نامداری که شهرت بازیگری ارضای‌شان نمی‌کند و سری هم به جرگه خوانندگی می‌زنند، صدای توکل صدای جان است. توکل جان مرتعش کننده جان به سوی توکل به عَالم بالاست. موسیقی‌اش، کلامش و اجرای صحنه‌اش زمینی است اما پله‌پله تا ملاقات حضرت دوست می‌رود. خلاقیت و آنیت و جلوه‌گری‌اش در سنتور این ساز چموش بدقلق که رام‌کننده‌ای ماهر می‌خواهد گویی خمیری است لای انگشتان او و آهنگواره‌ها و ترانه‌سرای‌هایش همچون دیگر استادان بزرگ فن چون جهانبخش پازوکی، علی تجویدی، محمد حیدری، همایون خرم و... صدای حقیقی جان و ایرانی نوین جان و مردمان جانِ جویای الطاف اندیشه لطیفِ مردی است از جنسِ موسیقی که خدا او را حالا حالاها سلامت و تندرست بدارد.

چارسو

نگاهی به ۵۰سالگی تالار رودکی

۵۰ساله یوسف‌آباد

فرزانه ابراهیم‌زاده
روزنامه نگار

عصر سوم‌آبان بالاخره بعد از حدود ۱۰ سال انتظار درهای آن ساختمان زیبا و سیاه‌رنگی که در خیابان یوسف‌آباد ساخته بودند باز شد.

تالاری که در روزهایی که چیزی فراتر از هنر زیرسقف بلندش حرف اول را می‌زند و در سکوت میانسالی و ۵۰سالگی خود را رد کرد و آنچه می‌خوانید مروری کوتاه بر ۵۰سالگی ساکن خیابان یوسف‌آباد قدیم است.

***

ایده ساخته شدن این سالن بزرگ در نیمه دهه ۳۰ یعنی سال ۱۳۳۴ مطرح شد، اما ساخت آن ۱۰ سال طول کشید.

پهلوی دوم بیشتر از اسلاف خود دوست داشت تا شمایل تهران را از شهری تاریخی با ساختمان‌های قدیمی به شهری مدرن شبیه شهرهای اروپایی به‌خصوص پاریس کند. شهری شبیه آنچه حکومت در ذهن خود داشت، اول باید تاریخ خود را از دست می‌داد و بعد نهادهای مدرن و باشکوهی را شبیه آنچه در غرب بود به خود می‌دید. سالن اپرا و اجرای موسیقی یکی از این نهادها بود.

پیش از اینکه اقدام به ساخت این سالن کنند یک سالن بزرگ شبیه سالن اپرا هال لندن یعنی تکیه دولت را داشت. سالنی زیبا با معماری مدرن که به‌دستور ناصرالدین‌شاه پشت عمارت بادگیر در مجموعه کاخ گلستان ساخته شده بود. کمی پیش از تصمیم برای ساختن تالاری برای اجرای اپرا، شهرداری تهران دستور به تخریب آخرین یادگارهای تکیه دولت کرد و به جایش هم شعبه بازار بانک ملی ایران را ساخت.

حالا تهران آماده بود تا سالن مدرن خودش را داشته باشد. سازمان سمعی و بصری که یکی از نهادهای زیرمجموعه اصل چهار ترومن بعد از جنگ جهانی دوم بود ساخت این سالن را با بودجه‌های وزارت فرهنگ به‌دست گرفت.

اوژن آفتاندلیانس معمار ارمنی تبار تبریز برنده مناقصه طراحی این سالن شد. او که تحصیلکرده مدرسه هنرهای زیبای پاریس در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم بود پیشتر برای طراحی فرودگاه بزرگ تهران در مهرآباد هم انتخاب شد. آفتاندلیانس این سالن را براساس الگوی معماری اپرا هال وین که در آن زمان مهم‌ترین سالن اپرای اروپا بود طراحی کرد. کار طراحی این سالن در سال ۱۳۳۶ به پایان رسید.

آفتاندلیانس برای ساخت پیشنهاد داد تا زمین بزرگی را که در خیابان ارفع در یوسف‌آباد که میان کالج البرز و سفارت شوروی قرار دارد، برای این سالن به او بدهند. این زمین ۱۵ هزار متری بخشی از زمین‌های میرزا یوسف‌خان مستوفی‌الممالک بود که خریداری و کلنگ ساخت سالن تازه به زمین خورد. مهندس بابایان و شرکت او پیمانکاری ساخت این سالن را با نظارت آفتاندلیانس برعهده گرفتند.

اما ساخت و تکمیل سالن بیشتر از آنچه فکر کرده بودند این روند را کند کرد، هزینه‌های بالایی بود که در ساخت این سالن به وزارت فرهنگ و هنر که حالا جدا از آموزش و پرورش شده بود و به وزارت مهرداد پهلبد شوهر خواهر پهلوی دوم اداره می‌شد تحمیل شده بود. آنطور که عباس جوانمرد در خاطراتش نوشته گزارش‌هایی از تبانی میان مقاطعه‌کار و معاونت وزارت فرهنگ و هنر به پهلبد رسیده بود و او برای روشن شدن وضعیت چند سالی کار ساخت تالار را برای رسیدگی به این ماجرا تعطیل کرد. او البته برای تنبیه پیمانکار او را در عمل انجام شده‌ای گذاشت و او برای جبران هزینه‌های حیف و میل شده مجبور شد سالن دیگری برای تئاتر در سنگلج بسازد. تالاری که برخلاف این سالن خیلی زود آماده بهره‌برداری شد و در مهر ۱۳۴۴ با نام تالار ۲۵ شهریور افتتاح شد. با افتتاح تالار سنگلج پیمانکار تالار رودکی بار دیگر موظف شد تا در سریع‌ترین زمان این را نیز آماده کند. از آنجایی که ۱۰ سال گذشته بود، آفتاندلیانس بار دیگر سالنی براساس آخرین استانداردهای روز طراحی کرد و با هزینه زیادی تجهیزات ماشینی آن خریداری شد. این سالن اواخر تابستان ۴۶ سرانجام تکمیل شد، اما از آنجایی که شاه تصمیم داشت مراسم بزرگی به مناسبت تاج‌گذاری برگزار کند افتتاح تالار اپرای تهران به زمان جشن‌های تاج‌گذاری موکول شد.

نام ابوعبدالله رودکی شاعر و موسیقیدان قرن سوم- چهارم هجری را برای این مجموعه در نظر گرفتند و تا سال ۵۸ به همین نام معروف بود. تالار رودکی علاوه صحنه بزرگ و متحرک ۱۲ در ۱۰ متر با ارتفاع ۵ متری و ظرفیت ۸۰۰نفری یک ساختمان ۷ طبقه برای بخش اداری و سالن کوچک دیگری برای موسیقی‌های مجلسی و ارکسترهای کوچک و پلاتوهای تمرین تئاتر و اپرا دارد.

تالار رودکی تا سال ۵۸ به این نام شناخته می‌شد، اما در این سال همزمان با نخستین هفته وحدت نام سالن اصلی آن به تالار وحدت تغییر نام داد و رودکی به سالن کوچک مجموعه رفت. این تغییر همزمان با منحل شدن سازمان اپرا و باله ایران بود. سالن که تا آن زمان مستقل بود به وزارت فرهنگ و ارشاد سپرده شد. در دهه ۸۰ دو تالار فردوسی و حافظ نیز در کنار مجموعه تالار وحدت ساخته شده است، و تعداد سالن‌های آن به چهار سالن رسید.

این مجموعه در طول سال‌های گذشته تعریفش عوض شد و میزبان بزرگ‌ترین چهره‌های هنری ایران از بهرام بیضایی و علی رفیعی و پری صابری در تئاتر و گروه چاووش و محمدرضا شجریان و محمدرضا لطفی و دیگر نخبگان موسیقی بود.

در سال ۷۸ همزمان با آغاز به کار بنیاد رودکی مجموعه این سالن و ساختمان‌های اطرافش به آن واگذار شد. بنیادی که قرار بود تا اداره بهتر سالن بزرگ تهران را به‌دست بگیرد، اما چند سالی است که آن را وارد تعریف‌های تازه‌ای از مجموعه و آن را وسیله‌ای برای درآمدزایی کرده است. سالنی که بعد از ۵۰سال نیاز به نوسازی دارد، اما ظاهرا مسئولین بنیاد رودکی دغدغه‌هایی بیشتر دارند و منطق بازار بر آن حاکم شده است. سالنی که روزی نخبگان را در خود جای داد حالا جایی شده برای رونمایی ماشین‌های جدید کمپانی‌ها تا کی ساکن ۵۰ساله یوسف‌آباد میزبان عروسی‌ها باشد؟!

عکس: رکنا

سینمای جهان

«خانه پوشالی» به حالت تعلیق در آمد

«اسپیسی» از سریال اخراج شد

بعد از اعلام رسوایی هفته گذشته کوین اسپیسی، بازیگر سریال خانه پوشالی، کمپانی نت‌فلیکس اعلام کرد که این بازیگر را به‌طور کامل از این سریال کنار خواهد گذاشت.

هفته پیش بعد از مصاحبه آنتونی رپ که افشا کرده بود اسپیسی وقتی که او ۱۴ ساله بوده قصد تعرض جنسی به او داشته است، این بازیگر معروف بر سر زبان‌ها افتاد. این بازیگر فیلم «خانه پوشالی» و مدیر سابق تئاتر اولد لندن بعد از انتشار این مصاحبه گفت که موضوع آزار جنسی را به‌خاطر نمی‌آورد. اما اگر ماجرا آن طوری بوده که رپ گفته، از او به خاطر رفتار غیرمناسبی که در نتیجه نوشیدن زیاد الکل بوده است عذرخواهی می‌کند.

به‌دنبال این حرف‌ها اسپیسی افشا کرده است که در طول سالیان دراز هم با زنان و هم با مردان ارتباط داشته است و حالا انتخاب کرده از این بعد همجنس‌گرا باشد. این حرف‌های اسپیسی واکنش‌هایی منفی به‌دنبال داشت: بسیاری از افراد در فضای مجازی به این موضوع اعتراض کردند و گفتند که جنسیت رپ مسئله نیست بلکه نکته‌ای که مورد انتقاد است، این است که با افشا شدن این ماجرا اسپیسی موضوع سوءاستفاده از رپ را به همجنس‌گرا بودنش ارتباط داده است.

هرچند که اسپیسی در صفحه توئیتر خود از این موضوع عذرخواهی کرد اما ماجرا تمام نشد. پلیس بریتانیا بعد از اظهارات رپ درحال تحقیق روی موضوع سوءاستفاده جنسی اسپیسی از رپ است. بعد از انتقادات گسترده مخاطبان، کمپانی نت‌فلیکس هم واکنش نشان داد و این بازیگر را از سریال خانه پوشالی اخراج کرد.

کمپانی نت‌فلیکس در بیانیه‌ای اعلام کرده است که این کمپانی در ادامه تولید سریال «خانه پوشالی»، دیگر با اسپیسی همکاری نخواهد داشت و در این وقفه با کمپانی ام. آر. سی به همکاری ادامه می‌دهد. کوین اسپیسی نقش محوری و بازیگر نقش اول این سریال پرمخاطب است. او در این سریال نقش سیاستمداری فاسد و همجنس‌گرا را بازی می‌کند که برای رسیدن و باقی‌ماندن در قدرت، حاضر است دست به هر جنایت و خیانتی بزند.

فیلم «خون‌ریزی» یکی دیگر از فیلم‌هایی است که اسپیسی تهیه‌کننده و بازیگر آن است که مایکل هافمن آن را کارگردانی کرده است. این فیلم که در مراحل پایانی قرار دارد با تصمیم این کمپانی اکران نخواهد شد.

با انتشار این بیانیه، آخرین فصل «خانه پوشالی» که قرار بود در سال ۲۰۱۸ به بازار عرضه شود، فعلا به حالت تعلیق درآمده است. گفتنی است اسپیسی در سال ۲۰۰۰ به‌خاطر فیلم «زیبای آمریکایی» برنده اسکار شد.